

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پروژه

کارنمای معلمی

مبانی فلسفی درس

ذهنیت گرایی

عینیت گرایی

افلاطون

ارسطو

مبانی فلسفی درس

انسان گرایی
پست مدرنیسم

مبانی فلسفی درس

انسان گرایی

انسان گرایی یک مکتب و نظام فکری برای چگونه اندیشیدن و عمل کردن است. این نظام فکری به کوتاهترین و سادهترین شکل ممکن عبارت است از اینکه: «حل مشکلات بشر در گرو علم، عقل و تجربه بشری است».

انسان گرایان تلاش می کنند برای: اتکای به دانش تجربی و مشاهدات قابل اندازه گیری، بهره گیری از عقل و استدلال، توجه به تجربه و تاریخ بشری، استناد به واقعیات محض و قوانین علمی جهان ملموس، به رسمیت شناخته شدن آزادی و اختیار بشری، تفکر آزاد و غیرتحمیلی، تحقیق آزاد و حق پرسشگری و شکورزی، تکررگرایی و بها دادن به اختلاف نظر ها، تحمل دگراندیشان و توجه به نظرات و آرای آنان، حق دسترسی برابر به تربیون ها و رسانه های عمومی، برابری و صلح و همزیستی میان انسان ها

مبانی فلسفی درس

پست مدرنیسم

ژیر و پست مدرنیسم را جهت گیری به سمت چندگانگی، روایت‌های مختلف و چند بعدی که به طور مداوم بازسازی میشوند تعریف نموده است.

کوپر پست مدرنیسم را به عنوان راه ویژه برای نزدیک شدن به جهان و به دست آوردن دانش، چیزی که ما گفتمان نام می‌بریم توصیف کرده است.

یوشر: موثرترین روش برای فهم جهان شیوه‌ای که تجربه می‌کنیم، می‌فهمیم، تلاش برای تغییر جهان و بالاخره راهی برای ادراک خودمان و روابط خویش نام برده است.

از نظر پست مدرنیسم ها دانش امری نسبی است و فرایند تولید دانش امری اجتماعی استقرائی تعبیری و کیفی به حساب می‌آید

مبانی نظری درس نظریه یادگیری تحولی

یکی از شیوه های جذاب یادگیری، یادگیری تحولی است. توقعات و انتظارات ما - که از پیش فرض ها و انگاره های فرهنگی ما شکل گرفته اند به طور مستقیم معانی که از تجربیات مان بر داشت می کنیم را تحت تاثیر قرار می دهند.

هنگامی که ما بنیاد یادگیری های خودمان را مورد ارزیابی و باز اندیشی قرار می دهیم و از این طریق در ساختار های فکر و اندیشه خودمان تغییر ایجاد می کنیم یادگیری تحولی رخ داده است.

مبانی نظری درس نظریه یادگیری تحولی

یادگیری تحولی به منزله فرایندی تعریف شده است که در خلال آن عادات ذهنی بازتر، نفوذپذیرتر، مشخص تر و قابل توجیه تر می شوند

مزیر و فرایند یادگیری تحولی را متمرکز بر بازاندیشی و خودبازاندیشی می داند

در واقع، هنگامی که یک فرد مجموعه ای تثبیت شده از ارزشها و باورهایی دارد که اغلب در کودکی جذب شده اند، زمان زیادی طول می کشد تا تمایلی داشته باشد که آنها را مورد بازاندیشی و سؤال قرار بدهد. اما هر فرد وقتی با یک واقعه یا حادثه ای مواجه می شود که این باورها و ارزشها به چالش کشیده می شوند یا انتظاراتی دارد که اتفاق نمی افتد ممکن است هر فرد شروع به پرسش و شک و تردید در مورد باورهایش بکند. چنین فرایندی می تواند آغاز یادگیری تحولی باشد

مبانی نظری درس نظریه یادگیری تحولی

► به نظر مزیرو (1996) یادگیری فرآیند بهره گیری از تفسیرهای پیشین ما برای ساختن تفسیرهای جدید و بازاندیشی شده از معنای تجربیات است که برای هدایت اعمال و کنشهای آینده ما به کار می رود. به اعتقاد او تا تحول در دیدگاه فرد رخ ندهد، برای فرد در راستای تغییر عملش نیز اتفاقی پایدار نخواهد افتاد و معلم از این امر مستثنا نیست. بنابراین در این دیدگاه آنچه در کانون توجه برای بازاندیشی قرار می گیرد همه آن چیزی است که معلم می داند، اعم از تجربیات، باورها، ارزشها و دانش تا از این رهگذر تغییر و بهبود در عمل او پدیدار شود.

► بر اساس این نظریه هنگامی که ما بنیاد یادگیری خودمان را مورد ارزیابی و بازاندیشی قرار می دهیم و از این طریق در ساختارهای فکر و اندیشه خودمان با تشخیص و قضاوت پیش فرضهایمان تغییر ایجاد می کنیم، یادگیری رخ داده است. این نظریه برای ما توضیح می دهد که چطور توقعات و انتظارات ما به طور مستقیم معانی را تحت تاثیر قرار می دهند که از تجربیات مان برداشت می کنیم. بازبینی و بازاندیشی ساختارهای معنایی شکل گرفته از تجربیات مان همان چیزی است که این نظریه مورد توجه قرار می دهد.

این یک نظریه یادگیری مختص فراگیران بزرگسال،
دانش آموزان دبیرستانی و یا دانشجویان میباشد. نظریه
ای انتزاعی، آرمانی و مبتنی بر ماهیت ارتباطات
انسانی است و تا حد زیادی بخشی از یک فرایند رشدی
است که بیشتر به عنوان فرایند استفاده از درک مبتنی
بر فهم و تجربیات قبلی فرد در نظر گرفته شده و در پی
تفصیلی جدید از یک تجربه، به منظور هدایت فعالیتهای
آتی، است

► باز بینی و باز اندیشی این معانی همان چیزی است که این نظریه مورد نظر قرار می دهد

► در واقع این پیش فرض ها مثل یک شمشیر دو لبه عمل می کنند در حالی که به تجربیات ما معنی می بخشند در عین حال تفسیر ما از واقعیت های اطراف را تحریف می کنند.

► فرایند یادگیری تحولی

1. محوریت تجربه

2. باز اندیشی نقادانه

3. گفتمان منطقی

در این تئوری ، تجربه یادگیرنده موضوع اصلی یادگیری تحولی است، که ماده اولیه باز اندیشی نقادانه را فراهم می کند.

باز اندیشی نقادانه فرض ها و باورهای فرد را بر اساس تجربیات قبلی او مورد سوال قرار می دهد.

و در عرصه گفتمان منطقی ، تجربه مورد باز اندیشی قرار گرفته و فرض ها و باورها مورد تردید و سوال قرار می گیرند تا جایی که در نهایت متحول شوند.

برنامه درسي مبتدي بر پروژه

عقايد دال

عقايد پايينار و گرامت

خود شرح حال نويسي

پديدار شناسي

اهداف درس پروژه

شيوه اجرا